

ویرزم نامه

ادیباً فریضتین

«إِنَّمَا لَمْ يُأْخِرْ أَشْرَارًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجَتُ لِتَطَبِّعِ الاصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي
(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) أَرِيدُ أَنْ أَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ
أَبِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ.»:

من از روی خودخواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم،
بلکه قیام من برای اصلاح در امت جدم میباشد، میخواهم امر به معروف و
نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم.



مقام معظم رهبری:

نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست. تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند. فقط این نیست؛ این جزء دهم است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید کرده: نهی از منکر در همه زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلاً کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سوءاستفاده از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکت‌ها و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره؛ همین رعایت رفاقت‌ها از سوی مسئولان.



فصل نامه جامع شیخ بهایی

ویژه نامه احیاء فریضتین

مدیر مسؤول و صاحب امتیاز: سید محمود خاتون‌آبادی



دانشگاه شیخ بهائی

شورای امر به معروف و نهی از منکر



چه با ارزش است، امریبه معروف و نهی از منکر که حسین علی‌الله، تمام هستی اش را در راه آن گذاشت



نداشت، با توجه به تفکری که مبنا را خلق منهای خدا دانست، این حالت ایجاد شده بود.

و اما امروزه و در شرایط فعلی، اگر واژه‌هایی نظیر «نظرات عمومی یا همگانی»، «مسئولیت در برابر جامعه»، «تلاش برای جهت‌دهی خدایی به خود و جامعه»، «شانه خالی نکردن از مسئولیت‌های اجتماعی»، «کجی دیگران را کجی خود دیدن و اقدام برای رفع آن» و... مطرح شود، دست کم از جهت گفت‌وشنود - و صرف‌نظر از اقدام و میزان پاییندی به آن - قابل قبول و پذیرش است، ولی اگر به جای همه این‌ها واژه «امریبه معروف و نهی از منکر» را بگذاریم، شاید برای برخی احساسی ناخوشایند را تبادر و یا تداعی کند! چرا که معنای متبدادر از این دو واژه در پاره‌ای از اذهان، غیر از آن چیزی است که مد نظر شریعت مقدس اسلامی است، و محتوایی نظیر «دخلات در امور دیگران»، «وارد شدن افراد در آن چه به آنان مربوط نیست»، «برخ کشیدن خوبی خود

مقدمه

هرگاه واژه‌های ارزشمند و دارای محتوایی که مورد قبول و تأیید عقل و شرع است بر اثر سبک بیان، شیوه پیاده‌سازی و یا دلائل دیگر، به الفاظی خالی از محتوای حقیقی آن تبدیل می‌گردد، کاربرد آن آسیب جدی می‌بیند، از باب مثال، واژه «خلق» واژه زیبایی است به ویژه که تصور آن، خالق و پدید آورنده هستی را به ذهن می‌آورد، و در کتاب الهی از نظر ادبی مضاف لفظ جلاله قرار می‌گیرد: «هذا خلق الله»^۱، ولی در یک مقطع زمانی، «در اوائل انقلاب اسلامی» در اذهان معتقدین به نظام و ارزش‌های اسلامی نسبت به این واژه نوعی تیرگی و بدنمایی ایجاد گردید؛ مسأله این بود که این کلمه در گفتار افرادی با طرز تفکر ماتریالیستی کاربرد زیادی داشت، هر چند این یک واژه مقدس قرآنی بود و در دیدگاه دینی اساساً خلق بدون خدا معنا

^۱ - لقمان: ۱۱



تردیدی نیست منظور از امر به معروف و نهی از منکر در کلام الهی و در لسان شریعت، همان معانی اولیه است و یا آن معانی می‌تواند مفسر این دو واژه باشد.

و بدی دیگران، «قدرت‌نمایی فرد آمر یا ناهی»، «داشتن انتظارات بی‌مورد از دیگران»، «وارد شدن در امور خصوصی افراد جامعه» و نظری آن را به ذهن برخی مخاطبان می‌آورد.

بدیهی است که هیچ کدام از این موارد به صورت رها و غیر اصولی نه تنها خوشایند هیچ‌کس نیست، بلکه نه شریعت الهی و نه خرد انسانی، هیچ کدام مؤید آن نبوده و نیست.

و اما در علت‌یابی این تبادر نابه‌جا می‌توان به یکی از این دو سبب و یا هر دو اشاره کرد:

۱- این که در طول تاریخ - و نه منحصراً در زمان ما - نا‌آگاهانه از این واژه سوءاستفاده‌هایی شده است که چنین برداشت‌هایی را به جای محتوا درست آن در اذهان جایگزین کرده است.

۲- و یا این که فرهنگ جامعه دارای ظرفیت پایین بوده که هر گونه خیرخواهی مسؤولانه را برداشتی نابه‌جا دانسته و تحمل پذیرش آن را ندارد.

در مورد اول می‌توان گفت که شاید نتوانیم منکر استفاده‌های نا‌آگاهانه در این رابطه در موارد نادری شویم، ولی بیشتر به نظر می‌رسد که مورد دوم در این جهت نقش زیادی دارد و تحقق ظرفیت پذیرش امر به معروف و نهی از منکر - و نه تنها اجرای آن - در جامعه نیازمند آمادگی فرهنگی با چند ویژگی است:

۱- نهادینه شدن محتوا کلام مستند به رسول گرامی اسلام (ص): «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته»؛

۲- کار فکری جهت تدوین شیوه تحقق فرهنگ نقدپذیری در جامعه و ایجاد سعه صدرعمومی؛

۳- ترویج فرهنگ خوش‌بینی و حمل بر صحت؛ به طوری که به تذکر آمریا ناهی با دید مثبت نگاه شود.

حال اگر زمینه‌های فرهنگی این دو فرضیه تحقق نیابد، البته این مشکلات هست، گو این که تحقق این زمینه‌ها خود نیازمند امر به معروف است!



اولین مرحله

تردیدی نیست که مهم‌ترین مطلب برای به وجود آوردن فرهنگ پذیرش، اجرای درست آن - چه به صورت فردی و چه به صورت سازمانی و متمرکز - است، و توجه جدی به این نکته ضرورت دارد که همچون گذشته، چنان‌چه در هر زمان قداست واژه‌های مقدس بر اثر سوءکاربرد خدشه‌دار شود، مسؤولیت الهی و عوایق دنیوی و اخروی آن البته متوجه عامل یا عوامل آن خواهد بود.

آن‌چه مسلم است، در فرهنگ دینی چارچوب متقنی برای اجرای درست و صحیح این دو فرضیه وجود دارد که دانستن دقیق آن و شناخت نظری پیاده کردن آن به دور از هرگونه احساسات شخصی و ناخالصی، و با اخلاص بالا می‌تواند ضمن حفظ قداست آن کاربرد و تاثیرش را تقویت نماید.



تحلیلی جامع در جایگاه این دو واژه

گرچه با اشاره به تفاسیر زیبایی که از این دو واژه مطرح است، پشتونه دینی و عقلی برای آن به طور کلی و تحت عنوان «عمل صالح» و یا «مقدمه انجام عمل صالح» روشن است، ولی بررسی مستندات عقلی و دینی آن به صورت ویژه نیز ضرورت دارد. در این قسمت به توضیح و تبیین پاره‌ای از ادله آن پرداخته می‌شود.

مستندات این دو فریضه: «پشتونه‌ها»

قبل از بررسی منشأ دینی و مستندات نقلی در این مورد، به جایگاه عقلی آن می‌پردازیم. آیا اگر این دو اصل در ادیان الهی و به ویژه در شریعت اسلامی مطرح نبود، عقل و خرد انسانی، به عنوان پیامبر پنهان الهی مستقلانه در این زمینه نظری داشت یا نه، و اگر نظری داشت الزام و وجوب عقلی بود یا استحباب؟

مستنداول: عقل(وجوب عقلی)

الف- مخالفان وجوب عقلی

در وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر، میان علماء اختلاف است. از بزرگانی مانند سید مرتضی^۱ و علامه حلی^۲ و خواجہ نصیر الدین طوسی^۳ و محقق کرکی^۴ نقل شده است که وجوب، فقط سمعی [نقلی] است؛ علامه حلی در کتاب «مختلف» این قول را به اکثر علماء نسبت می‌دهد و در کتاب «سرائر»، بودن وجوب عقلی آن را به تمامی متکلمان و فقیهان ژرفاندیش منسوب می‌کند.

ب- موافقان وجوب عقلی

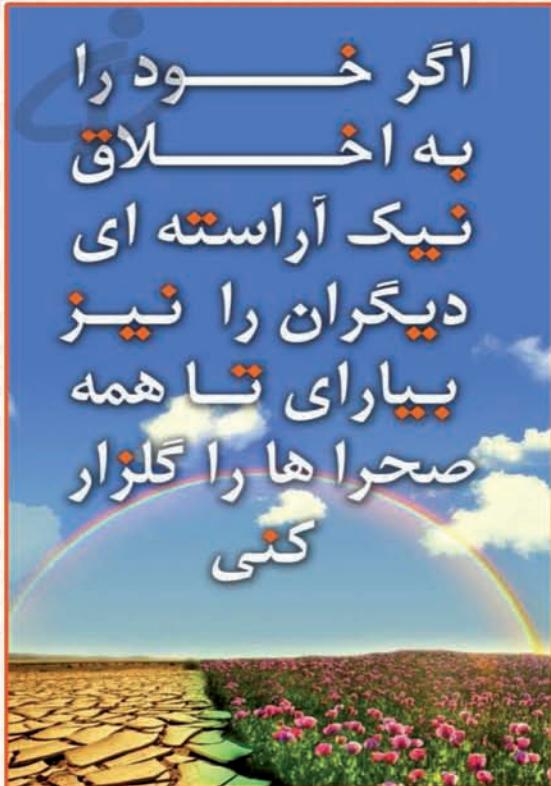
در برابر اینان، فقهایی نظریه ضرورت عقلی را مطرح کرده‌اند:

^۱- سید مرتضی «علم الهی»، متولد ۳۵۵ و متوفی ۴۳۶ است. علامه حلی او را معلم شیعه امامیه خوانده است؛ مردمی جامع بوده است؛ هم ادیب بوده و هم متکلم و هم فقیه؛ آراء فقهی او مورد توجه فقهای است، کتاب معروف او در فقه، یکی انتصار است و دیگری کتاب جمل العالم و العمل (www.wikifeqh.ir).

^۲- شیخ جمال الدین، ابومنصور، حسن بن یوسفین علی بن مطهر حلی، ملقب به علامه حلی و علامه (علی الاطلاق)، در ۲۷ رمضان سال ۶۴۷ هـ. ق بدینا آمد و در ۲۱ محرم سال ۷۲۶ هـ. ق در حله مزیدیه وفات نمود و در یکی از صحنهای روضه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف دفن گردید (www.wikifeqh.ir).

^۳- محمدبن محمدبن حسن طوسی، مشهور به خواجہ نصیر الدین طوسی (۵۷۶-۶۷۷ق)، حکیم و متکلم قرن هفتم قمری است. خواجہ نصیر نویسنده کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری در علوم اخلاق، منطق، فلسفه، کلام، ریاضیات و نجوم است. اخلاق ناصری، اوصاف الائسراف، اساس الاقتباس، شرح الاشارات، تجرید الاعتقاد، جامع الحساب و کتاب مشهور زیج ایلخانی و تذكرة فی علم الهینقدر علم نجوم از آثار مهم و مشهور او هستند. او هم‌چنین، رصدخانه مراغه و نیز کتابخانه مراغه را با بیش از ۴۰۰۰ جلد کتاب بنا نهاد. (fa.wikishia.net/view)

^۴- محقق ثانی (محقق گرکی)، (م. ۹۴۰ق.)، از فقهاء و علماء مشهور شیعه عصر صفوی که از وطن خود، جبل عامل مهاجرت کرد و ابتدا به عراق رفت و سپس در پی دعوت شاه اسماعیل صفوی به ایران آمد و در تبلیغ و ترویج تشیع، در ایران نقش مهمی را بر عهده گرفت. محقق ثانی، در فقه استدلایلی چیره بود و آثار فقهی اش با اقبال خاص فقیهان بعدی مواجه گشت. کتاب جامع المقاصد فی تصریح القواعد از او است و بدین رو، وی را «صاحب جامع المقاصد» می‌گویند. (fa.wikishia.net/view)



**اگر خود را
به اخلاق
نیک آراسته ای
دیگران را نیز
بیارای تا همه
صحراها را گلزار
کنی**

۱- شیخ طوسی^۱ در کتاب *اقتصادی* نویسد: «بِهَنْظَرِّيْنَ،
دِيْدَيْكَاهَ بِهَنْظَرِّيْنَ اسْتَ، كَه اَمْرَ بِهِ مَعْرُوفَ وَ نَهْيَ اِزْ مَنْكَرَ، عَقْلَأَّ
وَاجْبَانَدَ، بَه دَلِيلَ قَاعِدَةَ لَطْفَ».

۲- شهید اول^۲ در کتاب «دروس» می‌گوید: «مدرک وجوب
امر به معروف و نهی از منکر، عقل و نقل است».

۳- کاشف الغطا^۳ در کتاب *کشف الغطا* نویسد: «امر و نهی
راجح هستند؛ در جایگاه وجوب، واجب‌اند و در موقعیت
استحباب، مستحب، با تمامی شرایطی که خواهد آمد، به
دلیل عقل؛ زیرا در باب شکر منعم و یاری خداوند و تقویت
دین و شرع مبین مؤثرند».

۴- شهید اول و ثانی در «لمعه» و شرح آن می‌گویند که امر
به معروف و نهی از منکر عقلان و نقلان واجب‌اند.

۵- در کتاب «اشارة السبق»^۴ آمده است: «آیا امر به معروف و
نهی از منکر عقلان واجب‌اند یا نقلان؟ صاحب «قواعد»
می‌نویسد: اختلاف در دو مورد است: یکی این که واجب
کفایی‌اند یا عینی، دوم: واجب عقلاند یا نقلان؟ قول
نخست در هر دو مورد اقوی است».

۶- در «ایضاح الفوائد»^۵ آمده است: «اقوی نزد من، وجوب عقلی امر و نهی است، به دلیل قائد لطف، که هر لطفی واجب
است».

از مجموعه نظرات در این زمینه به نظر می‌رسد که ادله و مستندات وجوب عقلی به قرار زیر است:

۱- قاعدة لطف؛

۲- شکر منعم؛

^۱- محمدبن حسن بن علی بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)، مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه (به معنای بزرگ قوم بزرگ شیعیان)، از بزرگترین محدثان و فقهیان شیعه. او مؤلف دو کتاب *التهذیب* و *الاستبصار* کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه است. در ۲۳ سالگی از خراسان به عراق آمد و از شیخ مفید، سید مرتضی و دیگران برهه برد. خلیفة عباسی کرسی کلام بغداد را بدست گرفت. هنگامی که کتابخانه شاپور در آتش سوخت، شیخ به نجف رفت و حوزه علمیه را بپرا ساخت. شیخ طوسی، بعد از وفات سید مرتضی زمامت مذهب جفری را بر عهده گرفت. (fa.wikishia.net/view)

^۲- محمدبن مکی، معروف به شهید اول، شاگرد فخرالمحققین، یکی از اعاظم فقهای شیعه است. او در دیف محقق حلی و علامه حلی است؛ اهل جبل عامل است که منطقه‌ای است در جنوب لبنان و از قدمی ترین مراکز تنشیع است. شهید اول در سال ۷۲۴ متولد شده و در ۷۸۶ به فتوای یک فقیه مالکی مذهب و تأیید یک فقیه شافعی مذهب شده است. او شاگرد شاگردان علامه حلی، از آن جمله فخرالمحققین (فرزنده علامه حلی) بوده است. کتاب‌های معروف شهید اول در فقه عبارت است از *الملعنه* -که در مدت کوتاهی در همان زمانی که منجر به شهادتش شده است، تأییف کرده است و عجیب این است که این کتاب شریف را در دو قرن بعد، فقیهی بزرگ شرح کرد که او نیز سرتوشی مانند مؤلف را پیدا کرد، یعنی شهید شد و شهید ثانی لقب گرفت- دروس، ذکری، بیان، الغیبه، القواعد؛ همه کتب او از نفائس آثار فقهی است. (wiki.ahlalbait.com)

^۳- شیخ جعفر کاشف الغطاء در سال ۱۱۵۴ق در نجف اشرف به دنیا آمد، کتاب معروف او در فقه به نام *کشف الغطاء*. وی شاگردان بسیاری تربیت کرده است؛ سید جواد صاحب مفتاح الكرامة و شیخ محمدحسن صاحب جواهر الكلام از جمله شاگردان اویند. (www.tebayan.net)

^۴- مؤلف این کتاب ابوالمسجد حلی، معروف به ابن أبي المجد از علمای قرن ششم هجری می‌باشد. این کتاب از محدود کتاب‌هایی است که در آن هم مباحث عقائد و هم احکام‌فقیه مطرح گردیده است. (www.wikifeqh.ir)

^۵- ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، تأییف فخرالمحققین فرزند علامه حلی است (۷۷۱-۷۷۲عق). (www.wikifeqh.ir)



۳- مقدمه انجام واجبات؛

۴- عوامل تقریب بندگان به طرف مصالحشان و دوری از مفاسد؛

۵- مقدمه حفظ نظام بشری و عدم گسیختگی آن؛

۶- یاری و نصرت خداوند.



دلیل اول: قاعدة لطف

برای انجام هدف الهی (نزدیک کردن رساندن بندگان به مصالح و دور کردنشان از مفاسد)، طبق حکمت لازم است رسولانی فرستاده شده، تعیین تکلیف، بیم و امید، وَعْد وَوعید، إِنذار وَتبشیر، و نیز انتصاب امامان توسط خدای متعال صورت گیرد. همچنین، حکمت می‌طلبد آن‌چه موجب نزدیکی بندگان به طاعات و دوری شاناز گناه است فراهم آید، زیرا ملاک حکمت مزبور عام بوده، مختص خدای متعال نیست، بلکه هر خردمند و حکیمی را شامل می‌شود. امر به معروف موجب نزدیک شدن بندگان به مصالح است؛ چنان‌که نهی از منکر آنان را از مفاسد دور می‌کند. پس به حکم قاعدة لطف - که بر حکمت مذکور استوار است سامر و نهی وجوب عقلی دارد.

دلیل دوم: شکر منعم

مرحوم کاشف الغطا برای اثبات وجوب عقلی، به شکر منعم استدلال کرده است؛ شاید جهتش این باشد که عبد می‌باید در تمامی مقاصد و اهدافی که مولا دارد، مطیع و فرمان بر او باشد؛ از آن رو که از شمار مقاصد قطعی مولا در آفرینش انسان، فراهم آوردن اسبابی است که می‌تواند بندگان را به طرف مصالح کشانده، از فساد دورشان کند، مقتضای بندگی آن است که بنده در جهت مقصد، سعی و تلاش داشته باشد، که جز با امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی‌شود.



دلیل سوم : مقدمه انجام واجبات

در توضیح آن گفته می شود که اگر بناست دستورات الهی در جامعه رواج یابد، از طریق امر و نهی امکان پذیر است. بنابراین، امر و نهی مقدمه انجام واجبات (دستورات الهی) است. حال، بر مبنای اصولی که هرگاه شرع مقدس واجبی را تشریع کند، بدون اشاره به مقدمات و پیش نیازهای آن، عقل حکم می کند که پیش نیاز نیز واجب است. بنابراین، مقدمه واجب هم واجب بوده، امر و نهی نیز عقلآ واجب می گردد.

روشن کاربروی امر معروف و نهی از منکر

شیوه هنری

در این روش آمر یا ناهی بدون تکلم و اشاره مستقیم بلکه تنها با استفاده از یک ابزار هنری مثل یک قطعه فیلم - کلیپ صوتی و یا تصویری - نقاشی - کاریکاتور و ... می تواند پیام خود را به فرد خاطر الغاء نماید. مثلاً در مورد حفظ حجاب تنها تصویری از یک شکلات بدون پوسته را که مگس ها روی آن نشسته اند در کنار تصویر یک شکلات درون پوسته که محفوظ می باشد، در مقابل دید فرد خاطر قرار دهد.

دلیل چهارم: عوامل تقریب بندگان به طرف مصالحشان و دوری از مفاسد
 توضیح این که رسیدن افراد جامعه به آن چه برایشان مصلحت است و نیز دور کردن آنان از مفاسد، عقلآ ضروری است و این کار به وسیله امر و نهی امکان پذیر است.



دلیل پنجم: مقدمه حفظ نظام بشری و عدم گسیختگی آن

حفظ نظام بشری، از هرج و مر ج و گسیختگی به حکم عقل ضرورت دارد و تحقق آن به وسیله امر و نهی امکان پذیراست. بنابراین، امر و نهی به حکم عقل واجب است.

دلیل ششم: یاری و نصرت خداوند

ترویج معروفات و تلاش در رفع نواهی از سطح جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر، از مصاديق نصرت خداوند است.

مستند دوم: نقل (وجوب نقلی)

۱- پشتونههای وجوب فریضتین در

کتاب الہی

به طور کلی می‌توان گفت که ریشه و کلیات احکام شرعی را باید در قرآن کریم، و شرح و تفصیل و شاخه‌های آن را در سنت جست. قرآن کریم در آیه‌های فراوانی به فرضه امر به معروف و نهی از منکر تصریح کرده است که در اینجا به برخی از این آیات می‌پردازیم:

- «لیسوأ سواء من أهل الكتاب أمة قائمة يتلون آيات الله آناء الليل وهم يسجدون يؤمّون بالله واليوم الآخر و يأمرُون بالمعروف وينهُون عن المنكر ويسارعون في الخيرات و أولئك من الصالحين»^۱؛

اهل کتاب همه یکسان نیستند؛ گروهی به طاعت خدا ایستاده‌اند و آیات خدا را در دل شب تلاوت می‌کنند و سجده به جای می‌آورند، به خدا و روزواپسین ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند و آن‌ها از صالحانند.

- «ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير و يأمرُون بالمعروف و ينهُون عن المنكر و أولئك هم المفلحون»^۲؛

باید از میان شما، جمیع دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند، و آنان همان رستگارانند.

- «كتم خير امة أخرجت للناس تأمرُون بالمعروف و تنهُون عن المنكر و تؤمنون بالله»^۳؛

شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ چهاینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. در مجموع به نظر می‌رسد امر به معروف و نهی از منکر دارای اهمیت بسیار زیادی از منظر قرآن کریم می‌باشد، و فرد فرد جامعه، اعم از دولتمردان و عموم مردم را شامل می‌شود.

۲- پشتونههای وجوب فریضتین در سنت (احادیث و روایات)

^۱- آل عمران: ۱۱۳-۱۱۴، گفته می‌شود هنگامی که "عبدالله بن سلام" که از دانشمندان یهود بود با جمع دیگری از ایشان اسلام آوردند، یهودیان و مخصوصاً بزرگان آن‌ها از این حادثه بسیار ناراحت شدند، و در صدد برآمدند که آنان را متهم به شرارت سازند تا در انتظار یهودیان پست جلوه کنند و عمل آن‌ها سرمشقی برای دیگران نشود. لذا علمای یهود این شعار را در میان آن‌ها پخش کردند که تنها جمیع از اشاره ما به اسلام گرویده‌اند! اگر آنان افراد درستی بودند، آینین نیاکان خود را ترک نمی‌گفتند و به ملت یهود خیانت نمی‌کردند. آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ نازل شد و این دسته دفاع کرد.

^۲- آل عمران: ۱۰۴.

^۳- آل عمران: ۱۱۰.





مستندات در این زمینه به مرز تواترات است؛ در اینجا به برخی از آن اشاره می‌گردد:

- «قال رسول الله (ص): مَنْ أَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَا عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ»^۱؛ هر کس امر به معروف و نهی از منکر نماید، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول است.

- «قال الصادق (ع): حَسْبُ الْمُؤْمِنِ غَيْرًا إِذَا رَأَى مُنْكَرًا أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِهِ أَنَّهُ لَهُ كَارِهٌ»؛ در غیر تمدبودن مؤمن همین بس که هرگاه کار زشت و ناپسندی مشاهده کرد، خدای متعال از قلبش در مورد ناخوش داشتن آن منکر آگاه باشد.

- «قال رسول الله (ص): مَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا وَلَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا قُلْبَ فَجُعِلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَأَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ»^۲؛ آن که کارهای خوب را بهدل نیک نشمارد و کارهای زشت را بهدل ناپسند نشمرد، واژگونه گردد؛ بالای او پایین، و پایین او بالا می‌گردد(یعنی تشخیص خوب و بد را از دست می‌دهد).

- «قال على (ع): وَأَنْهَاوا غَيْرَكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَنَاهُوا عَنْهِ فَإِنَّمَا أَمْرُتُمْ بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي»؛ امیر المؤمنین (ع) فرمود: دیگران را از منکر باز دارید و خود نیز از آن دوری کنید، زیرا شما مأمور شده‌اید که اول خودتان منکر را ترک کنید، بعد نهی از منکر نمایید.

- «قال رسول الله (ص): أَدَلَّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعَلَهُ»^۳؛ کسی که دیگران را به کار نیک راهنمائی کند، گویا خود آن را انجام داده است.

- «قال رسول الله (ص): مَنْ أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَا عَنْ مُنْكَرٍ أَوْ ذَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ»؛ هر کس دیگری را به کار نیکی امر کند یا او را از کار زشتی باز دارد، یا این که او را به خیری راهنمائی نماید و یا اشاره به امر خیری داشته باشد، در آن کار نیک شریک خواهد بود.

- «قال رسول الله (ص): مَنْ كَانَ فِيهِ ثَلَاثٌ سَلَمَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَأْتُمُرُ بِهِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَتَهَى عنِهِ وَيَحْفَظُ عَلَى حَدُودِ اللَّهِ»؛ کسی که سه چیز در او باشد، دنیا و آخرتش سالم می‌ماند:

- ۱- امر به معروف کند و خود نیز پذیرای آن باشد.
- ۲- نهی از منکر کند و خود نیز پذیرا باشد.
- ۳- حدود الهی را نگهداری کند.

- «قال رسول الله (ص): وَالَّذِي نَفْسِي بِيدهِ مَا أَنْفَقَ النَّاسُ مِنْ نَفْقَةِ أَحَبِّهِ مِنْ قَوْلِ الْخَيْرِ»؛ قسم به کسی که جانم به دست اوست، مردم چیزی بهتر از حرف خیر انفاق نمی‌کنند.

^۱ مستدرک الوسائل و مستنیط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹، ح ۱۳۸۱۷.

^۲ شهجه البلاعه(اصبحی صالح) ص ۵۴۲، ح ۳۷۵.

^۳ کافی(ط-الاسلامیه) ج ۴، ص ۲۷، ح ۴ - من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱۶۸۲.





- «قال رسول الله (ص) : و الْجَهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شَعْبٍ : عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهَايَةِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ الصَّدْقَ فِي الْمُوَاطَنِ، وَ شَنَآنَ الْفَاسِقِينَ»^۱

جهاد بر چهار قسم است: ۱ - امر به معروف ۲ - نهی از منکر ۳ - راستی در هر حال ۴ - دوری از گناهکار.

- «قال رسول الله (ص) : أَصْلَحْ مُسْيِئَ بِحُسْنِ فَعَالِكَ وَ دُلُّ عَلَى الْخَيْرِ بِجُمِيلِ مَقَالِكَ»؛^۲
آدم بد کار را به وسیله کارینیک خود اصلاح کن، و با سخن زیبایی دیگران را به کار خیر رهنمون باش.

- «لَعْنَ الْأَمْرِيْنِ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِكِيْنَ لَهُ وَ النَّاهِيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَالَمِيْنَ بِهِ»؛^۳

- کسانی که مردم را به کارهای نیک امر می کنند و خود آن را انجام نمی دهند و کسانی که مردم را از کارهای زشت باز می دارند اما خود مرتكب آن می شوند مورد لعن و نفرین هستند.

- «قال رسول الله(ص) الأخبر کم عن اقوام ليسوا بأنباء و لا شهداء يغبطهم الناس يوم القيمة بمنازلهم من الله عز و جل، على منابرهم من نور؟ قيل: من هم يا رسول الله؟ قال: هم الذين يحببون عباد الله الى الله و يحببون الله الى عباده. قيل: هذا حبوا الله الى عباده فكيف يحببون عباد الله الى الله؟ قال: يأمرونهم بما

يحب الله و ينهونهم عما يكره الله فإذا أطاعوهم أحبهم الله»؛^۴

پیامبر اکرم(ص) در رابطه با اهمیت امر به معروف و نهی از منکر فرمودند: آیا شما را از کسانی خبر دهم که نه انبیا و نه شهدا هستند، ولی مردم به مقام و مرتبت و جایگاه آنان در پیش خدا که بر منبرهایی از نور هستند غبطه می خورند؟ سؤال شد: ای رسول خدا(ص) آنان چه کسانی هستند؟ پیامبر(ص) فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا و خدا را محبوب بندگانش می گردانند. سؤال شد: معنای محبوب گردانیدن خدا در پیش بندگانش معلوم است، اما چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می گردانند؟ پیامبر(ص) در جواب فرمود: به چیزی که خداوند متعال دوست دارد دعوت می کنند و از چیزی که خداوند متعال بدش می آید نهی می کنند، پس هنگامی که بندگان خدا، او را اطاعت می کنند محبوب خدا می گردند و خداوند متعال آنان را دوست می دارد.

رسول خدا (ص) می فرماید:

**گروهی هستند که
نه پیامبرند و نه شهید
ولی مردم به مقام آنان که به
خاطر امر به معروف
به دست آورده اند
غبطه می خورند**

امام حسین علیه السلام در نامه معروفش به برادرش محمد حنفیه درباره فلسفه قیامش در فرازی می فرماید:

- «وَأَنَّى لَمْ أُخْرِجْ أَشْرَا وَ لَا بَطْرَا وَ لَا مَفْسَدَا وَ لَا ظَالِمَا وَ إِنَّمَا خَرَجْتْ لِتَطْلِبَ الإِصْلَاحَ فِي أَمْقَادِي أَرِيدُ أَنْ أَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَايَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ أَبِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ...»^۵؛

^۱ - کافی(ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۵۱ {شیوه این حدیث در کتاب سلیمان بن قیس الہلالی ج ۲، ص ۶۱۵}.

^۲ - تصنیف غفران الحكم و درر الكلم، ص ۲۵۵، ح ۵۳۷۱.

^۳ - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی) ج ۱۰، ص ۱۸۳.

^۴ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۸۲.

^۵ - مقتل الحسين، ج ۱، ص ۱۸۹ - ۱۸۸.



من از روی خودخواهی، یا خیره سری یا به منظور آشوب و ستمگری به پا نخاسته ام، بلکه برای اصلاح امور مسلمانان و امت جد بزرگوارم قیام کرده ام. قصد من امر به معروف و نهی از منکر و احیای سنت جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و پدرم علی بن ابی طالب در میان امت اسلامی است.

این سخن را حضرت در نامه ای به عنوان وصیت نامه به برادرشان محمد بن حنفیه - که مریض بود به طوری که از ناحیه دست فلچ داشت و قدرت این که در رکاب حضرت باشد و خدمت کند نداشت - نوشتند و به او سپردند. چرا؟ برای این که دنیا از ماهیت نهضت او آگاه شود؛ مردم دنیا! من مثل خیلی افراد نیستم که قیام و انقلابیم به خاطر این باشد که خودم به نوای رسیده باشم، برای این که مال و ثروتی تصاحب کنم، برای این که به ملکی رسیده باشم؛ این را مردم دنیا از امروز بدانند، قیام من قیام مصلحانه است. من یک مصلح در امت جدم هستم. قصد امر به معروف و نهی از منکر است؛ قصد این است که سیرت رسول خدا را زنده کنم، روش علیّ مرتضی را زنده کنم. سیره پیغمبر مُرُد، روش علیّ مرتضی مرد؛ می خواهم این سیره و این روش را زنده کنم.^۱



شیوه آسان سازی

برخی از افراد که معروفی را ترک می نمایند تصویر می کنند که این اجرام آن بسیار سخت و دشوار است و تنها عده خاصی از عهده اعام آن بر می آیند و یا فردی که منکری را انجام می دهد تصویر می کند که ترک آن بسیار دشوار است. لذا آمر و اهی برای اصلاح او بایستی چنین تصویر را در ذهن او از بین بیرون و مسایله را بسیار آسان جلوه دهند. مثلاً ادله ای که روزه نمی گیرند آن را کاری سخت و سنگین می دانند که با صحبت کردن و تشویق وی می توان نظر او را تغییر داد.



شیوه تشویقی

در این روش آمر یاناهی بایستی از قریب که معروفی را به جای می آورد یا منکری را رها می کند با همان عنوان تقدیر و تشکر نماید بدون اینکه افراد خاطر اعمال خود محکم تر می گردد و تلی آن رفتار برای جلوه هی کند و باعث می شود بدو مطوبیت خود را حفظ کند و منکر همچنان نامطلوب باقی بماند و از تبدیل خود را در مقابل آن مسئول بداند. خاطر نیز خود را در مقابل آن مسئول بداند.

شرایط انجام فریضتین

در این زمینه تنها به ذکر یک حدیث اکتفا می گردد:

«قال رسول الله(ص): لا يأمر بالمعروف ولا ينهى عن المنكر إلا من كان فيه ثلاثة خصال: رفيق بما يأمر به رفيق فيما ينهى عنه، عدل فيما يأمر به عدل فيما ينهى عنه، عالم بما يأمر به عالم بما ينهى عنه»؛

امر به معروف و نهی از منکر نکند مگر کسی که سه خصلت در او باشد:

- در امر و نهی خود مدارا کند؛
- در امر و نهی خود میانه روی نماید؛

- و به آن چه امر و نهی می کند، دانا باشد؛

البته در مورد وجوب اصل فریضتین ومطالب پیرامون آن روایات متعددی وجود دارد که در این مجال نمی گنجد.

^۱ www.mostazafin.tv - به نقل از شهید مطهری.

^۲ سجوار الأنوار (ط-بیروت) ج ۹۷، ص ۸۷، ح ۶۴ {شیوه این حدیث دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۸}.



کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته

پیغمبر اکرم موضوع امر به معروف و نهی از منکر را با تبییر دیگری بیان کرده است، آن جا که فرمود:

«کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته»؛ تمام افراد شما مسلمانان به منزله حافظ و نگهبان و شبان یکدیگر هستند و تمام شما نسبت به دیگران مسؤولید. تعبیری از این بالاتر نمی‌توان کرد؛ یعنی ایجاد نوعی تعهد و مسؤولیت مشترک میان افراد مسلمان برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی. چنین وظیفه سنتگینی، اولاً، آگاهی و اطلاع زیاد می‌خواهد؛ یعنی هر فرد یا اجتماع ناآگاهی نمی‌تواند این وظیفه را به خوبی انجام دهد، و ثانیاً، قدرت و امکان می‌طلبد.

.porseman.org به نقل از مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۷ و حمامه حسینی صفحه ۲۸۲



السَّلَامُ عَلَىٰ بَنِي إِلَهٍ لِّلْحَسِينِ وَعَلَىٰ قَلَادِ الْحَسِينِ عَلَىٰ صَحَابِ الْحَسِينِ



معروف
منه
بـ